

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۱۲ فبروری ۲۰۱۵

## شیوخ عربستان، اصلی‌ترین وارث سیاست‌های قرون وسطائی محمد پیامبر مسلمانان هستند!

### مقدمه

عربستان، یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان و اولین صادرکننده «طلای سیاه»، یعنی نفت است. اما در عین حال فاسدترین و مرتجع‌ترین حکومت جهان نیز به شمار می‌آید. در این کشور قدرت و ثروت و ایدئولوژی اسلامی آن‌چنان در هم تنیده شده است به طوری که به معنای واقعی می‌توان گفت: «شیوخ عربستان اصلی‌ترین وارث سیاست‌های قرون وسطائی محمد پیامبر مسلمانان هستند.»

خاندان سعودی حاکم بر عربستان در حالی داعیه رهبری جهان اسلام را دارد که بسیاری از اعضای این خاندان، غرق در فساد هستند و این موضوع شاهزاده‌های این خاندان است.

عربستان سعودی که نام آن پیش از تسلط آل سعود «حجاز» بود، با ۱۴۹/۲/۶۹۰ کیلومتر مربع وسعت، بزرگ‌ترین کشور خاورمیانه محسوب می‌گردد. شبه‌جزیره عربستان در همسایگی کشورهای کویت، عراق و اردن در شمال، یمن در جنوب، امارات متحده عربی، و قطر در شمال شرقی و عمان در شرق واقع شده است. عربستان از سوی شمال با خلیج فارس و از سوی خاور با دریای سرخ و از سوی جنوب شرقی با دریای عرب دارای مرز آبی است.

عربستان دو میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۹۰ کیلومتر مربع مساحت داد که حدود چهار برابر مساحت فرانسه است. این کشور ۲۸ میلیون و ۸۳۰ هزار نفر جمعیت دارد که حدود هشت میلیون نفر از آنان اتباع خارجی هستند و پایتخت آن ریاض است. مذهب رسمی در عربستان، تسنن است. البته حدود ده درصد مردم این کشور شیعه‌اند. انجام اعمال مذهبی مذاهب دیگر در عربستان ممنوع است.

آب و هوای عربستان عموماً گرم و ناسازگار است. در شب هوا معتدل و اغلب سرد است و شدت تابش نور ماه و ستاره به شب جلوه خاصی به آسمان می‌دهد. دمای هوا در طول روز بالاست و غالباً تغییر آب و هوا طی روز شدید است. آسمان معمولاً چنان صاف و روشن است که خورشید به شدت می‌تابد و گرما و نور از سطح سنگ‌ها و ماسه‌های خشک منعکس می‌شود. وزش بادهای سوزان، گردباد و سراب در طی روز چندین بار اتفاق می‌افتد.

شهر طائف تنها منطقه‌ای است که آب و هوای معتدل دارد و به همین جهت ایلاق این کشور محسوب می‌شود. دهران یا ظهران، این شهر مرکز شرکت نفت عرب و امریکا (آرامکو) است و شامل خانه‌های کارمندان و کارگران است.

وضعیت زنان در عربستان سعودی، یکی از مسائلی است که نشانه‌های نقض آن را می‌توان در ساده‌ترین مسائل از جمله گواهی‌نامه رانندگی و انتخاب همسر مشاهده کرد، این در حالی است که حتی چهار دختر پادشاه در حصر خانگی شده‌اند.

در این کشور، به خصوص زنان به معنای واقعی حقوقی ندارند. حتی اکنون زنانی را که رانندگی می‌کنند به عنوان «تروریست»، به دادگاه می‌فرستند.

اما با این وجود، برای دولت‌های جهان و منطقه اهمیتی ندارد که حاکمیت این کشور چقدر مرتجع و وحشی است همین که حکومتی پولدار و مدافع سیستم سرمایه‌داری است کافیست که در آغوش گرم سیستم سرمایه‌داری جهانی و در رأس همه دولت‌های به اصطلاح دموکراتیک غرب قرار گیرد.

### مسابقه سران حکومت‌های جهان برای شرکت در مراسم خاک‌سپاری ملک عبدالله

ساعتی پس از اعلام خبر درگذشت ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی، رهبران و مقام‌های ارشد کشورهای مختلف با همدیگر مسابقه گذاشتند که کدام یکی زودتر پیام تسلیت بفرستند و با هیأت‌های بلندپایه در مراسم خاک‌سپاری او شرکت کنند. برای مثال، بارک اوباما رئیس جمهور دموکرات آمریکا، بازدید خود از هند را نیمه تمام گذاشت و با یک هیأت بلندپایه راهی عربستان شد. در حالی که در ترور پاریس و کشتن سردبیر و هیأت تحریر نشریه شارلی ابدو، هیچ‌کسی را نفرستاد و فقط سفیرشان در فرانسه در راهپیمایی نمایشی سران کشورهای مختلف جهان در پاریس، شرکت کرد.

بارک اوباما، حتی ساعتی پس از اعلام خبر درگذشت ملک عبدالله، او را رهبری رک توصیف کرد که در مورد باورهای خود شجاعت داشت. البته عربستان سعودی از مهم‌ترین همپیمانان منطقه‌ای و جهانی واشینگتن به شمار می‌رود.

به گفته اوباما «در حالی که کشورهای ما برای گذشتن از بسیاری چالش‌ها با هم همکاری می‌کردند، من همواره برای جنبه‌های فکری ملک عبدالله ارزش قائل بودم و به دوستی گرم و خالص‌مان احترام می‌گذاشتم.» جو بایدن، معاون رئیس جمهوری ایالات متحده، گفته است هیأت امریکائی برای ادای احترام به پادشاه درگذشته را رهبری خواهد کرد.

جرج بوش، رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده، نیز پادشاه درگذشته عربستان را «دوست و شریکی عزیز» خطاب کرده است.

دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، دیگر همپیمان نزدیک غرب به ریاض، گفته از شنیدن این خبر «شدیدا اندوهگین» شده است. او ابراز امیدواری کرده است که «روابط عمیق و طولانی مدت دو کشور همچنان ادامه پیدا کند.»

نارندرا مودی، رئیس جمهوری هند، در صفحه توئیتر خود، ملک عبدالله را «صدائی مهم» توصیف کرده است که بر کشور خود تأثیری عمیق گذاشته است.

بیانیه‌ای از سوی دولت فرانسه در ستایش از نقش ملک عبدالله منتشر شده است.

استفن هارپر، نخست وزیر کانادا، نیز او را «مدافع قوی صلح» نامیده است.

رئیس جمهوری مصر و پادشاه اردن، عبدالفتاح سیسی و ملک عبدالله، سفر خود به جلسه جهانی اقتصاد در داووس را برای شرکت در مراسم خاک‌سپاری پادشاه عربستان سعودی نیمه‌کاره گذاشتند.

دولت‌های اردن و بحرین، به مناسبت درگذشت پادشاه سابق عربستان ۴۰ روز عزای عمومی اعلام کردند. مصر و تشکیلات خودگردان فلسطین نیز به ترتیب ۷ روز و ۳ روز عزای عمومی اعلام کردند.

از سوی دیگر، در حالی که حکومت اسلامی ایران و عربستان سعودی رقیب هم هستند و روابط آن‌چنانی نیز با همدیگر ندارند و وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران در ماه‌های گذشته از سفر به ریاض امتناع کرده، اما در پی درگذشت ملک عبدالله، حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران پیام تسلیتی در این‌باره نوشت و خبرگزاری‌ها از سفر محمد جواد ظریف از داووس به ریاض خبر دادند. در این بین از سه دهه‌ای که حکومت اسلامی به قدرت رسیده است حکومت اسلامی ایران از موضع ایدئولوژی شیعه و حکومت عربستان از موضع سنی، در آموزش و تسلیح گروه‌های مسلح تروریستی اسلامی در منطقه با همدیگر مسابقه گذاشته‌اند. اگر در عراق حکومت اسلامی ایران از شیعه‌ها دفاع می‌کند حکومت عربستان از سنی مذهب‌ها دفاع می‌کند. و طرفداران هر دو حکومت، عراق را به جولانگاه تروریستی دولتی و گروهی خود تبدیل کرده‌اند و تاکنون جان صدها هزار انسان را گرفته‌اند و هنوز هم می‌گیرند.

### خانواده سعودی

ملک عبدالله، ششمین پادشاه سعودی، در سن ۹۰ سالگی درگذشت. ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه جدید عربستان سعودی در نطقی تلویزیونی گفت که ادامه دهنده سیاست‌های ملک عبدالله خواهد بود.

اکنون پس درگذشت پادشاه عربستان سعودی و روی کار آمدن شاه جدید، سوالات پیرامون آینده این کشور و روابطه بین‌المللی و منطقه‌ای آن را پررنگ کرده است. در حالی که اعلام پادشاهی سلمان، یک مسأله عادی است. یعنی به هر حال او ولیعهد بوده و باید جانشین ملک عبدالله می‌شد. او همچنین بیش از ۵۰ سال است که در حاکمیت عربستان نقش پررنگی دارد. بنابراین، به نظر نمی‌رسد که او تغییرات چندانی در سیاست‌هایشان در داخل کشور و منطقه و جهان بدهد.

ملک عبدالله حاکم مطلق یکی از محافظه‌کارترین سران دنیا بود. او مطابق اندیشه‌های اسلامی سنتی تربیت شده بود و سیاست‌های به غایت ارتجاعی داشت. اما برخی او را یک «اصلاح‌طلب» به حساب می‌آوردند و همان طور که خلخال، موسوی اردبیلی، موسوی تبریزی، خاتمی و ...، «اصلاح‌طلب» نامیده می‌شوند.

عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود در ماه اگست ۱۹۲۴ برابر با مرداد [اسد] ۱۳۰۳ در ریاض به دنیا آمد. او در میان ۳۷ پسر ملک عبدالعزیز آل سعود، سیزدهمین آن‌ها بود.

مادر ملک عبدالله که فهد بن العاصی الشریم نام داشت، هشتمین زن در میان شانزده همسر ملک عبدالعزیز بود. خانواده او از بادیه‌نشینان (بدوی) بود و عبدالله در کودکی زمان زیادی را در بیابان و مطابق آداب و رسوم سنتی زندگی کرد. خانواده او بسیار سخت‌گیر بود و شاهزاده جوان مطابق اعتقادات پدرش تربیت شد.

او مذهب، ادبیات و علوم را از علمای اسلامی دربار آموخت. برادر ناتنی او، فیصل، در سال ۱۹۵۸ به نخست وزیر رسید، و برادر دیگرش، سعود، که در سال ۱۹۵۳ بر تخت سلطنت نشسته بود، پذیرفت که کنترل دولت را به او واگذار کند.

در سال ۱۹۶۲ فیصل برادرش عبدالله را به فرماندهی گارد ملی سعودی منصوب کرد. این ارگان از جمله وظیفه داشت که امنیت خاندان سلطنتی کشور را تأمین کند و رسم این بود که فرماندهش یکی از اعضای خاندان آل سعود باشد. در دوران فرماندهی عبدالله شمار نیروهای گارد بزرگتر شد و جدیدترین تجهیزات موجود در اختیار آن قرار

گرفت. ملک فیصل در مارچ ۱۹۷۵ (فروردین ۱۳۵۴) به قتل رسید، و برادرش، خالد، جانشین او شد. ملک خالد بعد از رسیدن به سلطنت، عبدالله را در ریاست گارد ملی نگاه داشت و همچنین او را به سمت معاون دوم نخست وزیر منصوب کرد.

در دهه ۱۹۷۰، جایگاه او در خارج از کشور برجسته تر شد و او به یکی از منتقدان صریح سیاست امریکا در خاورمیانه و طرفدار اتحاد میان اعراب تبدیل شد. عبدالله معتقد بود که تنها همبستگی میان اعراب می تواند نفت و پول آن ها را به سلاحی قوی در مقابل قدرت غرب تبدیل کند. او در سال ۱۹۸۰ در جلوگیری از بروز جنگ میان اردن و سوریه پیشگام شد، و توانست موقعیت خود را در داخل عربستان سعودی و همچنین در حلقه های دیپلماتیک خارج از کشور تقویت کند.

بعد از مرگ ملک خالد در سال ۱۹۸۲، ملک فهد، پادشاه جدید، عبدالله را به ولیعهدی خود و سمت معاون اولی نخست وزیر منصوب کرد. گفته می شود که انتصاب او به ولیعهدی با مخالفت هفت برادر تتی ملک فهد روبرو شد، اما عبدالله با موفقیت از میان رقابت ها و روابط پیچیده خاندان سعود گذشت و جایگاهش را تثبیت کرد.

در سال ۱۹۹۱ بعد از حمله ارتش عراق به کویت، عبدالله چندان تمایلی به حمایت از استقرار نیروهای امریکائی در عربستان سعودی نداشت، و معتقد بود که بهتر است به جای جنگ از طریق مذاکره راهحلی برای مسأله پیدا شود. البته نهایتاً ملک فهد تصمیم دیگری گرفت، اما به سربازان سعودی گفت که امیدوار است در آینده آن ها را در کنار سربازان عراقی و در میدان مبارزه برای اعاده حقوق فلسطینیان ببیند.

او در مقام ولیعهد عربستان، ظاهراً از فلسطینی ها حمایت می کرد در حالی که روابطش با یاسر عرفات، رهبر فلسطینی ها، پرتنش بود. او، علناً رهبران فلسطینی را به باد انتقاد می گرفت.

او در سال ۱۹۹۴، بعد از یک سلسله درگیری میان فلسطینیان و اسرائیل در نوار غزه، طرفین را به خویشتن داری دعوت کرد. و به این ترتیب، از فلسطینی ها دفاع نکرد.

در نوامبر ۱۹۹۵ آبان [عقرب] ۱۳۷۴، ملک فهد دچار سکتة مغزی شد و عبدالله عملاً قدرت را به دست گرفت. البته انتقال قدرت به او تا جنوری ۱۹۹۶ مخفی نگاه داشته شد. عبدالله به امریکائی ها اطمینان داد که روابط نزدیک دو کشور ادامه خواهد داشت.

او در سال ۱۹۹۷، به یک روزنامه لبنانی گفت که دوستی عربستان و امریکا ادامه خواهد داشت، اما «ما نمی توانیم منافع آن ها را بر منافع خودمان ارجحیت بدهیم. منافع ما همان منافع اعراب و مسلمانان است.»

بعد از وقایع ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، عبدالله به احترام امریکائی ها جشن های ملی سالانه به مناسبت تأسیس عربستان سعودی را در مقیاسی محدود برگزار کرد، اما بعداً به خاطر «ارائه تصویر منفی» از حکومتش بعد از حملات ۱۱ سپتمبر علناً از رسانه ها انتقاد کرد. پیش از حمله امریکا و متحدانش به عراق، عربستان اعلام کرد مادامی که سازمان ملل طی قطعنامه ای مجوز شروع جنگ را صادر نکند، به هواپیماهای امریکائی اجازه نخواهد داد از پایگاه هوائی شاهزاده سلطان واقع در این کشور برای انجام حملات هوائی استفاده کنند.

در سال ۲۰۰۲، اتحادیه عرب پیشنهاد عبدالله برای پایان دادن به منازعه فلسطین را به تصویب رساند. در این پیشنهاد تأسیس یک کشور فلسطینی پیش بینی شده بود، و از اسرائیل خواسته می شد به مرزهای سال ۱۹۶۷ عقب نشینی کند.

جورج بوش، رئیس جمهوری وقت امریکا، حاضر به تأیید این طرح نشد، و در پی آن، عبدالله گفت که احساس می‌کند رهبر امریکا به‌درستی در مورد جزئیات محتوای طرح توجیه نشده است. بعد از یک سری حملات تروریستی در عربستان سعودی در سال ۲۰۰۳، عبدالله به سرکوب و اجرای یک برنامه امنیتی گسترده روی آورد. گمان می‌رفت که عاملان این حملات گروه‌های اسلام‌گرائی باشند که از مواضع طرفدار غرب حکومت خشمگین هستند. عبدالله قول داد تروریسم را در عربستان ریشه‌کن کند. او پس از مرگ ملک فهد در اوت ۲۰۰۵ [مرداد/اسد] ۱۳۸۴، رسماً جانشین او شد.

ملک عبدالله در طول مدت حکمرانی خود، به ادامه سیاستی پرداخت که عربستان سعودی، از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون در حال اجرای آن بوده است: «سیاست گسترش جهانی قرائت آن کشور از اسلام». عربستان سعودی کشوری بزرگ و تأثیرگذار در منطقه است. کشوری که به اصطلاح «مقدس»‌ترین مکان‌های دین اسلام را در خود جای داده و خود را رهبر مسلمانان سنی جهان می‌داند.

عربستان سعودی در همین چهارچوب، تحت لوای دیدگاهی سخت‌گیرانه، یعنی گرایش اسلامی «وهابی»، میلیاردها دالر حاصل از درآمد نفت خود را صرف درگیری‌های نظامی یا آموزش افراد در خارج از مرزهای خود کرده است.

دوره‌هایی این رویکرد عربستان سعودی، با منافع غرب همسو بوده است. مثلاً، در دهه ۱۹۸۰ میلادی و زمانی که دالره‌های سعودی، صرف حمایت از مجاهدین افغان شد که با حمایت امریکا، علیه نیروهای شوروی در افغانستان می‌جنگیدند. این دوره که به جنگ «جهادی» معروف است القاعده را به وجود آوردند و مجاهدین افغان را تقویت کردند.

به همین ترتیب در دهه ۱۹۹۰ میلادی، در جنگ داخلی یوگسلاوی سابق، عربستان سعودی از نیروهای مسلمان در بوسنی و بعدها کوزوو، دفاع کرد و مذهب را در هر دو منطقه تقویت و تثبیت کرد. در پاکستان هم سیاست بلندمدت عربستان در تأسیس مدارس دینی، به رواج اسلام بین جوانان سرتاسر منطقه منجر شد.

شهروندان ثروتمند و حکومت عربستان سعودی، همچنین به حمایت از برنامه‌های آموزشی و شبکه‌های تلویزیونی گروه‌های اسلامی در سراسر اروپا، پرداخته‌اند.

با وجود این، وابستگی غرب به نفت عربستان، مانع انتقاد از آن کشور شده است؛ حتی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر که ۱۵ نفر از ۱۹۰ نفر عاملان آن، شهروند عربستان سعودی بودند.

اما حمایت غرب و در رأس همه حاکمیت امریکا از عربستان سعودی، در داخل و خارج آن کشور بی‌هزینه نبوده است. در سال ۱۹۷۹ نیروهای عربستان ناچار شدند که برای خارج کردن کنترل مکه از دست گروهی از وهابی‌های مسلح که منتقد سیاست‌های دولت بودند، با آن‌ها درگیر شوند. این درگیری، به کشته شدن صدها نفر انجامید.

اخیراً پیدایش گروه اسلامی موسوم به «دولت اسلامی» (داعش) در سوریه و عراق، نتیجه سیاست عربستان سعودی در استفاده از جنگ داخلی سوریه و در جهت منزوی کردن حکومت اسلامی در این کشور بوده است. حکومت اسلامی ایران، از حکومت بشار اسد حمایت می‌کند و عملاً نیروهای سپاه قدس حکومت اسلامی در کنار ارتش و نیروهای امنیتی حکومت سوریه علیه مخالفین حکومت بشار اسد می‌جنگند.

هر چند که سیاست‌های داعش، ناسازگاری با اهداف اسلامی حاکمیت عربستان سعودی ندارد، اما این تفاوت را دارد که داعش به دنبال «خلافت» خود است و زیر بار حکمرانی موروثی سعودی نمی‌رود. در داخل عربستان به او به چشم یک «اصلاح‌طلب» نگریسته می‌شد. او به مطبوعات اجازه می‌داد انتقادهای ملایمی به دولت بکنند، و به نظر می‌رسید با اشتغال زنان موافق است. در فبروری ۲۰۰۷ بهمن [دلو] ۱۳۸۵، اعلام شد که ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان لغو خواهد شد. البته این فرآیند بسیار طولانی خواهد بود و تشریفات اداری زیادی خواهد داشت. ملک عبدالله در نزدیک به ده سال دوران زمامداری اش، هیچ تغییری در اجرای مجازات‌های اعدام در ملاءعام، گردن‌زدن مجرمان و اجرای مجازات‌های شریعت اسلامی نداد و به همان روال سابق ادامه داد. زنان از بسیاری حقوق اجتماعی خود، از جمله رانندگی محروم ماندند.

### شاه جدید عربستان سعودی

ملک سلمان بن عبدالعزيز، برادر ناتنی ملک عبدالله، در سال ۱۹۳۵ متولد شد و از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۰ و بار دیگر از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۱ سمت استانداری ریاض را بر عهده داشت. با درگذشت برادرش امیر سلطان، ولیعهد و نخست وزیر اسبق در سال ۲۰۱۱، امیر نایف به ولایتعهدی و نخست وزیری رسید و سمت وزارت دفاع را به امیر سلمان سپرد.

در عربستان سعودی، پادشاه سمت نخست وزیری را هم در دست دارد و معمولاً ولیعهد به عنوان نایب اول نخست وزیر، عهده‌دار امور اجرائی می‌شود و مناصب مهم دولتی نیز بین اعضای ارشد خاندان سلطنتی تقسیم می‌شود. سلمان از اعضای یک جناح قدرتمند خاندان سلطنتی موسوم به گروه «پسران سدیری» است. او یکی از هفت پسر ملک عبدالعزيز، بنیان‌گذار پادشاهی سعودی، از یکی از همسرانش به نام حصه بنت احمد السدیری است که چند تن از آنان هنوز زنده هستند و از افراد متنفذ خاندان سعودی محسوب می‌شوند.

ملک فهد، پادشاه پیشین سعودی در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ نیز یکی از پسران حصه بود. پس از درگذشت ملک فهد و آغاز سلطنت ملک عبدالله، امیر سلطان بن عبدالعزيز، از پسران حصه به ولیعهدی منصوب شد اما در سال ۲۰۱۱ در گذشت و این سمت به امیر نایف، برادر تنی او رسید. امیر نایف هم در سال ۲۰۱۲ درگذشت و سلمان به عنوان قدرتمندترین عضو این جناح، ولیعهد عربستان شد.

ملک سلمان، دوره استانداری ریاض بود. او در این سمت با سرمایه‌گذاران و مقاطعه‌کاران خارجی در ارتباط بود و از این طریق، تماس‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی داشت.

در دوره وزارت دفاع او، عربستان سعودی همراه با امریکا و شمار دیگری از کشورهای عربی ائتلافی را برای مقابله با گروه موسوم به «دولت اسلامی» تشکیل داد. ملک سلمان با سه زن ازدواج کرده و دارای دوازده پسر و یک دختر است.

به گفته فرانک گاردنر، خبرنگار بی‌بی‌سی، سلطان سلمان به همان اندازه پادشاه قبلی عربستان به اصلاحات داخلی گرایش ندارد و احتمالاً حفظ امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی در مرکز توجه او قرار خواهد گرفت. همچنین گفته می‌شود که پادشاه جدید گرایش محافظه‌کارانه بیشتری دارد و انتظار می‌رود که تأکید بیشتری بر اجرای قوانین مذهبی بگذارد.

شرایط جسمی ملک سلمان از موضوعاتی است که با آغاز سلطنت او مطرح شده است. گفته می‌شود که پادشاه جدید دست‌کم یک بار دچار سکنه مغزی شده که حرکت دست چپ او را محدود کرده است. ملک سلمان در آغاز سلطنت خود گفت که برادر ناتنی خود، مقرن بن عبدالعزیز را به ولایتعهدی برگزیده است. ولیعهد جدید عربستان هفتاد سال دارد.

### پسران عبدالعزیز از ۲۲ همسر

خاندان سعودی، قدرت مطلق را در عربستان در اختیار دارند و پست‌های مختلف و کلیدی در دست پسرها و نوه‌های عبدالعزیز بن سعود نخستین پادشاه و بنیان‌گذار کشور عربستان سعودی دست به دست می‌شود. نام‌های این سعودی‌ها آن‌قدر زیاد است و در هر پست و مقامی یکی از آن‌ها دیده می‌شوند که شاید به سختی بتوان کلاف پیچیده خانواده آن‌ها سر درآورد.

طبق گزارشات پسران عبدالعزیز بن سعود از سال ۱۹۵۳ هر کدام تا زمانی که عمرشان کفاف داده قدرت را در عربستان در اختیار داشته‌اند و پس از آن پادشاهی را به برادر ناتنی خود واگذار کرده‌اند. خاندان سعودی‌ها آن‌طور که تخمین زده شده تاکنون ۱۵ هزار نفر بوده‌اند اما قدرت و ثروت بیشتر در دست ۲ هزار نفر از آن‌ها یعنی نوادگان عبدالعزیز بن سعود بوده است. آن‌ها علاوه بر در دست‌داشتن تمامی امور حساس کشور، ثروت‌های نجومی حاصل از فروش نفت و گاز و تمامی امور کشور را بدون داشتن هیچ نهاد انتخابی یا نظارت مردمی در اختیار خود دارند.

ملک عبدالعزیز بن سعود اولین پادشاه و بنیان‌گذار کشور عربستان، در یک خانوادهٔ شدیداً سنتی و مذهبی «وهاب» رشد و تربیت شده بود. در ۱۹۰۲ در حالی که خاندان او به کویت تبعید شده بودند، عبدالعزیز جوان توانست با کمک گروه کوچکی از نزدیکان و خدمتگزاران خود ریاض را دوباره به چنگ آورد.

عبدالعزیز از ۱۹۲۲ بر کل منطقه نجد (مرکز عربستان) مسلط شد، از ۱۹۲۵ حجاز را به قلمرو خود اضافه کرد و در سال ۱۹۳۲ کشور جدیدی را با نام عربستان سعودی بنیان گذاشت. دوران سلطنت او با کشف نفت در عربستان و بهره‌برداری گسترده از منابع نفت این سرزمین از سال ۱۹۳۸ همراه شد. تمامی پادشاهان بعدی عربستان (ملک سعود، ملک فیصل، ملک خالد، ملک فهد و ملک عبدالله) فرزندان او از زنان مختلف بوده‌اند. اما واقعیت این است که تعداد دقیق همسران عبدالعزیز مشخص نیست. هر چند که تعداد زن‌های رسمی او را ۱۷ تا ۲۲ نفر تخمین می‌زنند که حتی نام بعضی از آن‌ها را هیچ‌کس نمی‌داند.

تعداد دقیق فرزندان او را هم به همین خاطر نمی‌توان به درستی تخمین زد. اما آنچه بیشتر گزارش شده حداقل ۴۵ پسر است. هر چند در برخی منابع تعداد پسرهای او ۱۵۰ نفر و تعداد دخترها تا ۲۵ نفر هم گفته شده است!

عبدالعزیز وصیت کرده بود که ولیعهدی در زمان هر پادشاه به برادر بزرگتر برسد؛ مگر آن که پسر بزرگتر از این سمت امتناع کند تا در این وضعیت ولیعهدی به پسر بزرگتر بعدی برسد. در پادشاهی ملک عبدالله پس از مرگ سلطان بن عبدالعزیز (ولیعهد) به ترتیب عبدالرحمن، طلال و ترکی برادران بزرگتر بودند که در نوبت ولیعهدی بودند ولی پس از مرگ سلطان، نایف بن عبدالعزیز ولیعهد شد و پس از مرگ او نیز سلمان بن عبدالعزیز ولیعهد شد؛ مسأله‌ای که اختلاف در بین خاندان سعود را به دنبال داشت.

سعود، فیصل، خالد، فهد و عبدالله پنج پسر عبدالعزیز هستند که توانسته‌اند به پادشاهی برسند و تا وقتی عمرشان تمام شود بر این کشور حکومت کردند. پسرهایی که البته همه برادر ناتنی همدیگر هستند و مادرهای متفاوتی دارند.

سعود پس از مرگ پدرش از سال ۱۹۵۳ حکومت را در دست گرفت. او که فرزند عبدالعزیز از همسر اولش بود در سی سال آخر عمر پدرش، عملاً همه امور کشور در دست داشت و تقریباً همه فتوحات سعودی در شبه‌جزیره عربستان و خلیج فارس به دست او انجام گرفت. ملک سعود مدت یازده سال بر عربستان سلطنت کرد. پس از سعود، فیصل که ولیعهد او بود در سال ۱۹۶۴ به سلطنت رسید.

فیصل، فرزند عبدالعزیز از زن سومش، محمد (بزرگترین فرزند عبدالعزیز) را به ولیعهدی انتخاب کرد. اما او به سبب بیماری ولیعهدی را نپذیرفت و به همین خاطر ولیعهدی به خالد، که علاقه چندانی به امور سیاسی نداشت رسید. در سال ۱۹۷۵ با مرگ ملک فیصل، خالد (فرزند عبدالعزیز از همسر دومش) توانست به سلطنت برسد. او که متولد ۱۹۱۳ بود شانس رسیدن به سلطنت را به خاطر بیماری محمد بن عبدالعزیز پیدا کرد اما عمرش آنقدر دوام نداشت و تنها پس از ۷ سال سلطنت در ۱۳ جون ۱۹۸۲ فوت کرد.

پس از خالد، فهد که هشتمین فرزند «عبدالعزیز آل سعود» و پسر او از همسر پنجمش بود به پادشاهی رسید. «حصا بنت احمد السدیری» پنجمین و محبوبترین همسر ملک عبدالعزیز از میان ۲۲ زن دیگرش بوده است و به همین خاطر پسرهای او از قدرت و نفوذ زیادی در عربستان برخوردار بوده و هستند.

فهد به عنوان پنجمین پادشاه عربستان سعودی مدت‌ها پیش از آن که در جون ۱۹۸۲ جانشین ملک خالد شود در پشت صحنه سیاسی یک چهره با نفوذ بود. انتخاب به عنوان اولین وزیر فرهنگ در سال ۱۹۵۳، تصدی وزارت کشور در سال ۱۹۶۳ و ارتقا به عنوان معاون نخست وزیر در سال ۱۹۶۷ پست‌های اصلی او قبل از رسیدن به مقام ولیعهدی بود. سلطان، نایف، سلمان، عبدالرحمن، احمد، ترکی دیگر برادرهای تنی فهد هستند.

ملک فهد پس از ۲۳ سال سلطنت درگذشت و پادشاهی به عبدالله، فرزند عبدالعزیز از همسر هفتمش رسید. او به عنوان دهمین فرزند بنیان‌گذار عربستان جدید از سال ۱۹۸۲ به عنوان ولیعهد انتخاب شد. ملک عبدالله هر چند در سال ۲۰۰۵ با مرگ برادر ناتنی‌اش به پادشاهی رسید اما از سال ۱۹۹۵ و پس از بیماری و زمین‌گیر شدن ملک فهد به خاطر سکته قلبی عملاً تمامی اختیارات یک پادشاه را در دست داشت.

از سال ۲۰۰۵ تاکنون سه برادر او از میان هفت برادر سدیری به عنوان ولیعهد انتخاب شده‌اند اما دو نفر آنها یعنی سلطان و نایف در انتظار رسیدن به پادشاهی عمرشان تمام شده است. سلطان ولیعهد، نایب رئیس هیأت وزیران، وزیر دفاع و هوانوردی و بازرس کل عربستان سعودی، پانزدهمین فرزند «عبدالعزیز آل سعود» بنیان‌گذار عربستان جدید و برادر ناتنی ملک عبدالله پادشاه کنونی عربستان سعودی بود.

او که متولد سال ۱۹۳۱ است پس از مرگ برادرش فهد بن عبدالعزیز، و از تاریخ اول اگست ۲۰۰۵ تا پایان عمر به مدت ۶ سال ولیعهد عربستان بود اما در ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۱ در سن ۸۰ سالگی بر اثر سرطان در نیویورک درگذشت. نایف بن عبدالعزیز برادر تنی سلطان و یکی دیگر از اعضای باقیمانده خانواده سدیری پنج روز پس از مرگ برادرش به ولیعهدی رسید.

او استاندار ریاض از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴، معاون وزیر کشور در سال ۱۹۷۰، رئیس شورای عالی اطلاعات در سال ۱۹۷۰، وزیر کشور از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۱ بود. عمر نایف هم اما برای رسیدن به پادشاهی کفاف نداد و همین چند وقت قبل در ۱۶ جون در سن ۷۸ سالگی طی سفر درمانی خود در ژنیو از دنیا رفت.

سلمان بن عبدالعزیز یکی دیگر از برادران سدیری است که اکنون عنوان ولیعهدی ملک عبدالله را پس از مرگ دو برادرش در اختیار دارد و منتظر است که شاید بتواند به سلطنت برسد. او که بیست و پنجمین فرزند بنیان‌گذار عربستان سعودی است در ۱۸ اپریل ۱۹۵۵ حاکم ریاض شد و تا ۲۵ دسمبر ۱۹۶۰ در این سمت باقی بود تا این‌که



در این تاریخ از سمت خود استعفاء داد. در ۴ فیروری ۱۹۶۳ بار دیگر حاکم ریاض شد. در ۵ نومبر ۲۰۱۱ نیز به وزارت دفاع عربستان سعودی رسید. سلمان سه بار ازدواج کرده است و مجموعاً گفته می‌شود ۱۳ فرزند پسر دارد. طلال هجدهمین فرزند عبدالعزیز است که اکنون به خاطر انتقادهایش از نحوه حکومت فرزندان عبدالعزیز در حاشیه قرار دارد. او تنها کسی است که پس از صدور حکم پادشاه برای تعیین نایف به عنوان نخست وزیر، از پادشاه توضیح خواسته بود. چرا که این حکم بدون مراجعه به هیأت بیعت صادر شد. طلال که متولد سال ۱۹۳۵ است که گروهی از فرزندان جوان عبدالعزیز را رهبری می‌کند که خواستار اصلاحات در این کشور هستند. ولید پسر او ثروتمندترین مرد عربستان است که در سال‌های مختلف نامش در فهرست ثروتمندترین مردان جهان در مجله فوربز هم آمده است. طلال یکی از رهبران عربی و اسلامی عربستان است که دومین جریان «اصلاح‌طلب» در عربستان به حساب می‌آید. او هیچ پست رسمی در عربستان ندارد.

ادامه دارد

سه شنبه بیست و یکم بهمن [دلو] ۱۳۹۳ - دهم فیروری ۲۰۱۵